ایام

مراسم عزاداری حسینی در گذر تاریخ

واقعه عاشورا مجموعه‌ای از تعالیم تربیتی است که در طول تاریخ سعی شده با اجرای مراسم عزاداری حسینی این تعالیم انسان‌ساز حفظ شود. در این گزارش شیوه عزاداری در دوران مختلف را مرور کرده‌ایم.

حکومت آل‌بویه و تعطیلی ظهر عاشورا

سال ۳۵۰ قمری بود که «معزالدوله» یا همان «احمد دیلمی» سردار فاتح ایرانی به موضوع واقعه عاشورا و عزاداری ماه محرم پرداخت. او برپایی مراسم عزاداری در ماه محرم و تعطیلی بازار در ظهر عاشورا را مطرح کرد. برپایی مراسم جشن برای عید غدیر هم از دیگر آدابی بود که اجرای آن در زمان او آغاز شد.
«ابن اثیر» در کتاب «الکامل فی التاریخ» بنیانگذار عزاداری اباعبدالله را «معزالدوله» می‌داند. در کتاب «النصر» مرحوم «میر جلیل قزوینی» آمده است: به‌رغم محدودیت‌هایی که برای شیعیان به‌وجود آمده بود آنها در گوشه و کنار در ماه محرم عزاداری می‌کردند، منتها در یک زمانی این فضا باز می‌شود که اجازه پیدا می‌کنند علنی عزاداری کنند.

رسمیت یافتن تشیع در دوره صفویه

تا قبل از قدرت گرفتن صفویان، اعلام رسمی مذهب شیعه در زمان بعضی از پادشاهان ممنوع بود اما مردم اجازه نصب پرچم و نوشتن شعارهایی در سر کوچه‌ها و مساجد با مضامین شیعی را داشتند. البته در دوران مغولان محدودیت‌هایی برای اجرای مراسم عزاداری ایجاد شده بود. به همین دلیل در دوره مغول امامزاده‌ها کانون مرکزی فعالیت‌های شیعیان بودند. اما بعد از روی کار آمدن صفویان ماجرا به کل تغییر کرد و مردم آزادانه مراسم عزاداری برپا می‌کردند و لعنت بر قاتلان اباعبدالله می‌فرستادند و مردم با شنیدن آن «بیش باد» می‌گفتند که این دیالوگ در ادبیات محاوره‌ای امروز هم وجود دارد.

ورود پرچم و کتل به مراسم عزاداری

با آزاد شدن اجرای مراسم عزاداری ماه محرم و صفر در دوره صفویان شاهد تغییرات زیادی در نحوه اجرا و ورود ابزارآلات نمادین جنگی و رزمی برای باشکوه برگزار شدن این مراسم هستیم. در این دوران علم، کتل، پرچم و بیرق، پنجه یا سرپنجه به دسته‌های عزاداری وارد شد تا این مراسم رنگ و بوی جذاب‌تری به خود بگیرد؛ چنان که گفته می‌شود مراسم علامت گردانی که هر سال شب سوم شهادت امام حسین(ع) در چهارراه سیروس برگزار می‌شود سرآغازش از دوران صفویان است.

محدودیت روحانیون

روحانیت برای حفظ تشیع و همچنین ادای مراسم عزاداری ماه محرم از همان دوران صفویان با همه فراز و فرودها و محدودیت‌های ایجاد شده از سوی حکومت نقش مهم و اثرگذاری داشتند. هرچند برای مثال شاه اسماعیل یک‌سری جریانات مذهبی را آزاد اعلام کرد اما فعالیت روحانیون داخلی محدود شد. یا شاه طهماسب درخواست می‌کند از جبل‌العامل، روحانی به ایران بفرستند. درنهایت فردی روحانی به نام «محقق کرکی»، به ایران سفر می‌کند. جالب اینجاست که همین فرد نامه‌ای می‌نویسد با این مضمون که حکم حکومتی شاه طهماسب را من باید صادر کنم.

واعظان معروف دوره قاجار

اما با نشستن قاجاریان بر مسند قدرت برپایی مراسم عزاداری ماه محرم به شیوه‌ای جدیدتر اجرا می‌شد. در این دوره تهران واعظان و سخنرانان معروفی داشت. «ملا فاضل دربندی» از واعظان محبوب فتحعلی شاه قاجار بود. مراسم روضه‌خوانی و سخنرانی این واعظ در تهران حسابی پرآوازه بود. اما در یک حرکت نابجا فتحعلی شاه از او ناراحت می‌شود و ملا فاضل دربندی را تبعید می‌کند. مرحوم «کیوان قزوینی» از خطبای توانمند تهران بود که صدایی رسا داشت. بنا بر تعریف حاضران مجالس‌اش در مسجد که منبر می‌رفته به‌اصطلاح ۳ هزار نفر حضور داشتند. همچنین سیدجمال واعظ اصفهانی، پدر «محمدعلی جمالزاده» و «ملک المتکلمین» جزو افراد اثرگذار و منبری‌های معروف تهران بودند.

خواب‌های دروغین سلاطین

عوام‌فریبی و اضافه‌کردن خرافات برای تأثیر بر افکار عمومی مردم از شگردهایی بود که اغلب پادشاهان به شیوه‌های مختلف در مراسم عزاداری آن را اجرا می‌کردند. برای مثال اغلب آنها خود را مرید اهل‌بیت(ع) و خاندان عصمت و طهارت معرفی می‌کردند. یکی ادعا می‌کرد «من کمربسته و غلامم» یکی دیگر مدعی بود به‌دلیل نزدیکی و قربتی که به ائمه دارد شب گذشته یکی از معصومین به خوابش آمده‌اند.

هیئت قزاق‌ها در دوره پهلوی اول

یکی از هیئت‌های معروف تهران در دوران پهلوی اول هیئت قزاق‌ها بود که رضاشاه از سردمداران آن بود. آنها نوحه معروفی داشتند با این مضمون که اگر قزاق در کربلا بود سرانجام عاشورا این‌طوری نبود. جلودار عزاداران، رضا شاه بود که بالای منبر می‌رفت و گریه می‌کرد و کاه بر سر می‌ریخت.

آموزش مداحان و واعظان

در دوران رضاشاه مجموعه‌ای برای ساماندهی و آموزش وعاظ و خطبا و تربیت روحانیون و طلاب راه‌اندازی شد. در این مجموعه به‌نحوی علما، روحانیون و واعظان کنترل می‌شدند و به آنها آموزش داده می‌شد در مراسم عزا یا شادی چگونه سخنرانی کنند. مرحوم «فروزانفر» در کتاب «سرمایه سخن» به تمام مناسبت‌های هجری و قمری و اینکه روحانیون چه مطالبی را باید برای سخنرانی‌هایشان در مناسبت‌های مختلف مذهبی مطرح کنند پرداخته است.

ساماندهی هیئت‌ها در دوره پهلوی اول

در دوره پهلوی اول با سختگیری‌ها و تغییر رویه حکومت برپایی مراسم عزاداری به مناسبت ایام شهادت امام حسین(ع) کاهش پیدا کرد یا بیشتر مخفیانه انجام می‌شد. در آن دوران مسیر حرکت و تجمع بیشتر دسته‌های سینه‌زنی و عزاداری، بازار تهران بود و همین باعث تداخل و درگیری در اجرای مراسم می‌شد. براساس اسناد موجود کمیساری، در سال‌های اول دوران پهلوی، ۷۹ درگیری در هیئت ثبت شده است. به همین بهانه رضا شاه بیانیه‌ای صادر می‌کند و نظمیه را موظف به نظم و ساماندهی هیئت‌ها می‌کند.

تعزیه
روایت منظوم عاشورا

هشتمین نشست مرکز تهران‌شناسی همشهری با حضور کارشناسان با موضوع «محرم در تهران از صفویه تا انقلاب اسلامی» برگزار شد

«محرم در تهران از صفویه تا انقلاب اسلامی» موضوع هشتمین نشست مرکز تهران‌شناسی همشهری بود. در این نشست اسماعیل مجللی، نویسنده کتاب «شبیه‌نامه» به موضوع شکل‌گیری هنر تعزیه در تهران قدیم پرداخت و اردشیر آل‌عوض، محقق فرهنگ‌عامه درباره شیوه‌های عزاداری ماه محرم از دوره صفویان تا انقلاب اسلامی در پایتخت توضیحاتی ارائه کرد. محمود منیعی هم به‌عنوان کارشناس مجری با همراهی جمعی از تهران‌پژوهان در این جلسه حضور داشت. معزالدوله دیلمی برای نخستین‌بار در ایران دستور داد روز عاشورا مردم جایی مشخص از شهر جمع شوند و رخت عزا بپوشند. بازارها را بستند. خرید و فروش در آن روز منع و پارچه‌های سیاه عزا از در و دیوار شهر آویخته شد. عزاداری رسمی و علنی برای امام حسین(ع) در ایران از زمان آل‌بویه شکل گرفت و نمی‌توان هیچ آداب و رسوم و فرهنگ رسمی را به قوت آیین عزاداری سیدالشهدا(ع) در فرهنگ ایرانیان یافت؛ آیینی که در طول زمان با تغییرات سلسله‌های پادشاهی و فراز و فرودهای تاریخی، سیاست‌های سختگیرانه دولت‌ها و ممنوعیت‌ها هرگز چراغش خاموش نشد. در این میان بعد از نشستن سلسله قاجاریان بر مسند قدرت و پوشاندن ردای پایتختی بر تن تهران، این شهر، کانون اصلی و مهم اجرای مراسم و آیین‌های عزاداری حسینی بود.

نمود کمرنگ تعزیه در ادبیات فارسی

هرچند یکی از خاستگاه‌های مهم هنر تعزیه و شبیه‌خوانی تهران بود، اما این هنر آیینی خیلی زود، در سراسر ایران به‌عنوان یک میراث ناملموس ارزشمند رواج پیدا کرد. بخش مهم و جالب‌تر ماجرا اینجاست که بسیاری از داستان‌ها و متن‌های تعزیه‌ها به‌صورت شفاهی و سینه به سینه نقل و مکتوب شدند. آنطور که در منابع تاریخی آمده تعزیه در روستاهایی نشر پیدا کرده که اهالی آن سواد خواندن و نوشتن هم نداشتند. درواقع می‌توان از همین‌جا به این ماجرا پی برد که هنر تعزیه در روزگاری که خبری از رسانه‌های جمعی و سواد نبود به مانند یک رسانه در میان مردم برای اطلاع‌رسانی از شرایط و اوضاع روز کاربرد داشت، اما اندک پژوهشگرانی تاکنون به‌صورت رسمی یا اساسی به اهمیت این موضوع در تاریخ ادبیات فارسی پرداخته‌اند. باید گفت که نمود تعزیه در ادبیات فارسی ایرانی کمرنگ است؛ درصورتی که ما در فرهنگ و ادبیات فارسی مشابه داستان‌های تعزیه و آیین‌های سوگواری در ادبیات داستانی ایرانی کم نداریم؛ برای مثال در داستان‌های شاهنامه فردوسی ماجرای مشابه تعزیه، سوگواری و حواشی از دست دادن عزیزان با ریختن خاک و گل بر سر به‌صورت نمایشی را داریم.

تعزیه و نهضت ادبی

سال‌های زیادی بود که به‌دلیل نابسامانی‌های داخلی و جنگ‌های خارجی، ادبیات ایران رو به افول و صعود بود و ایران تقریبا فقیرترین دوران ادبیات خود را طی می‌کرد که ظهور تعزیه باعث تحولی بزرگ و نوین در حوزه شعر در تهران دوره قاجار شد. با افزایش اجرای تعزیه، گرایش شعرا و ادیبان به سرودن اشعار در وصف واقعه عاشورا، شهدا و قهرمانان آن بیشتر شد؛ برای مثال در مداحی‌ها و نمایش‌های تعزیه از اشعار «صباحی بیدگلی» یا «وصال شیرازی» از شاعران دوره قاجار استفاده می‌شد و کم‌کم به تعداد شاعران در حوزه ادبیات حماسی و آیینی اضافه و از همه مهم‌تر نهضت ترجمه اشعار و متون قدیمی تعزیه آغاز شد.

تعزیه در ۷ دستگاه موسیقی

موسیقی آوازی ایران که امروز در ۷ دستگاه اجرا می‌شود، هنری است که میرزا عبدالله فراهانی در زمان ناصرالدین‌شاه تدوین و ابداع کرد. اگر به نمایش‌های تعزیه دقت کنیم، متنی که برای کلام معصومین و ائمه(ع) نوشته شده، خوش آهنگ است. درواقع با این کار سعی شده نکات منفی موسیقی میان اذهان عمومی کمتر شود، اما برعکس دیالوگ مخالفان، عمر سعد، شمر و... به‌صورت اُشتلم‌خوانی است. از نمونه‌های این ویژگی می‌توان به فصل ورود حر به کربلا اشاره کرد.

تکیه دولت و رسمیت یافتن نمایش آیینی

اوج تحول و شکل‌گیری اجرای نمایش تعزیه به شیوه امروز با ساخت تکیه دولت شروع شد. تا پیش از ساخت تکیه دولت نمایش‌هایی با عنوان تعزیه در دوره صفویان و قبل‌ترها نمایش‌هایی با عنوان شبیه‌سازی واقعه کربلا در ایام ماه محرم و صفر یا روز عاشورا اجرا می‌شد، اما چیزی که امروز از نمایش تعزیه به‌صورت قصه و داستان‌های آهنگین روایی داریم از دوره قاجار با ساختن تکیه دولت به دستور ناصرالدین‌شاه رسم شد. تهران این کهنه پایتخت ایرانی زمانی که تعداد محله‌هایش چندان زیاد نبود، چیزی در حدود ۵۴ تکیه داشت؛ تکیه‌هایی به نام اشخاص و محله‌ها مانند تکیه نوروزخان، تکیه پاچنار، تکیه چاله حصار و... و تعدادی از آن را گروه‌ها و قومیت‌ها مانند عرب‌ها، قفقازی‌ها، بوشهری‌ها یا عجمی‌ها در کنار مساجد، مدارس و زیارتگاه‌ها راه می‌انداختند. از معروف‌ترین آنها تکیه مسجد حوض، امامزاده ناصرالدین و... بود. بعضی از تکیه‌ها هم به اصناف مانند آردفروشان و خبازها اختصاص داشت که در آنها نمایش تعزیه اجرا می‌شد. اما با ساخت تکیه دولت به تقلید از سالن بزرگ‌ترین تئاتر سلطنتی لندن برای اجرای نمایش‌های غیرمذهبی، موج مخالفت مردم و علما باعث شد تا تکیه دولت محل اجرای نمایش تعزیه شود.

تعزیه به قلم نویسنده‌ها و شعرا

با رسمیت یافتن اجرای تعزیه و ورود و حمایت حکومت برای اجرای این نمایش آیینی، نوبت به شاعران، نویسندگان و قصه‌سرایان می‌رسد تا با به‌کارگیری عناصر باورپذیر، بهترین شعر و قصه را برای اجرای نمایش بسرایند. درواقع همه تلاش آنها تحت تأثیر قرار دادن مخاطب و همذات‌پنداری او با شخصیت‌ها و چهره‌های واقعه کربلا برای نشان دادن مظلومیت امام حسین(ع) و یارانش در بیعت نکردن با یزید بود؛

موسیقی در خدمت دین

پدیده نوظهور روشنفکری به مرور زمان با سفرهای ناصرالدین‌شاه و اعزام محصلان ایرانی به خارج از کشور برای ادامه تحصیل در ایران سنتی جان گرفت. این تغییرات بر زندگی روزمره مردم هم اثر گذاشت؛ یکی از این تأثیرات در نمایش تعزیه بود؛ اینکه مردها بدون توجه به انگ‌های اجتماعی جامعه مردسالارانه قاجار در قالب شخصیت‌های زنانه ایفای نقش کنند یا در نقش ائمه معصومین(ع) بازی کنند؛ این تغییرات نوید تحولات و تلنگرهای روشنفکری بود؛ برای مثال در دوره قاجار بیشتر متن‌های تعزیه قالبی آهنگین پیدا می‌کند و از همه جالب‌تر موضوعات و دغدغه‌های سیاسی و اجتماعی مردم بود که وارد تعزیه شد؛ برای مثال در یکی از نمایش‌های تعزیه ماجرای امان‌نامه شمر به حضرت ابوالفضل(ع) اینگونه خوانده می‌شود: «بود تا تیغ اژدر پیکر بر کف، نی‌ام خوفی / اگرچه دشمن از روم و عراق و هند و روس آید» درواقع با وارد کردن واژه روس‌ها در نمایش تعزیه به گونه‌ای به جنگ‌های ایران و روس اعتراض می‌شود.

بومی‌سازی هنر نمایش آیینی

اجرای مراسم تعزیه در ایام محرم و صفر در تهران از زمان فتحعلی‌شاه قاجار آغاز شد. معمولاً این مراسم در کاخ گلستان اجرا می‌شد؛ مراسمی که طیف گسترده‌ای از افراد سرشناس شهر مانند ملاکان و گماشته‌های قاجاریان در آن حضور داشتند. به مرور زمان این افراد برای پیروی از حاکمیت، بانی اجرای این مراسم در شهرها و روستاهایشان شدند. نکته جالب ماجرا بومی کردن قصه‌ها و ماجرای داستان‌ها و باورهای ایرانی بود. بسیاری از روایت‌ها و قصه‌هایی که از آن به‌عنوان مراسم تعزیه یاد می‌کنیم درواقع اجرای آیین‌های باستانی یک روستا یا شهر است؛ برای مثال گاهی نوع پوشش شخصیت‌ها در تعزیه هم برگرفته از داستان‌های ایرانی بود؛ مثلا پوشیدن لباس‌های سبز برای نقش معصومین که نماد قداست و معصومیت است و لباس‌هایی به رنگ قرمز برای نقش اشقیا که نماد شقاوت و نفرت و کینه است با باورهای ایرانیان، هم نسبت بود.

مشارکت اجتماعی همه اقشار در نمایش

یکی از جاذبه‌های نمایش تعزیه به‌ویژه در تهران قدیم مشارکت همه اقشار اجتماعی در اجرای آن بود. درواقع این نمایش در تکیه‌ها و حسینیه‌ها برای همه اقشار، مشارکت می‌آفرید. دسته اول دراویش بودند؛ در تعزیه ظهر عاشورا جایی که امام حسین(ع) ندای هل من ناصر ینصرنی سر می‌دهد، دراویش بی‌نام و نشان با ظاهری ژولیده در میان جمعیت پیدا می‌شدند و شروع به آوازخوانی می‌کردند: در ادامه کشکول‌شان را در مقابل جمعیت می‌گرفتند که مردم مبلغی را داخل آن به نیت حاجت روایی می‌ریختند. مورد دیگر حضور پیشه‌وران دوره‌گرد بود که در تعزیه مرد سلمانی و امام رضا(ع) روایت می‌شود. در تعزیه امام رضا(ع) چنان‌که در قصه روایت شده امام رضا(ع) از مسیر دماوند نزدیک شهر تهران می‌شود و آرایشگر دوره‌گردی موی سر حضرت را اصلاح می‌کند. وقتی امام رضا(ع) به او دستمزدی می‌دهد، او از گرفتن دستمزد امتناع می‌کند و در ازای آن از امام رضا(ع) درخواست می‌کند زمان مرگ و وقتی او را در گور می‌گذارند به فریادش برسد که این ماجرا حکایت از اعتقاد شیعیان و فریادرسی ائمه(ع) در شب اول قبر دارد. نعلبندان هم از دیگر گروه‌هایی بودند که حتماً باید در ماجرای تعزیه ظهر عاشورا برای آنها نقشی درنظر گرفته می‌شد. نقش نعلبندان در تعزیه، بستن نعل به سم اسبانی بود که از روی پیکر شهدا در عصر عاشورا می‌گذشتند.

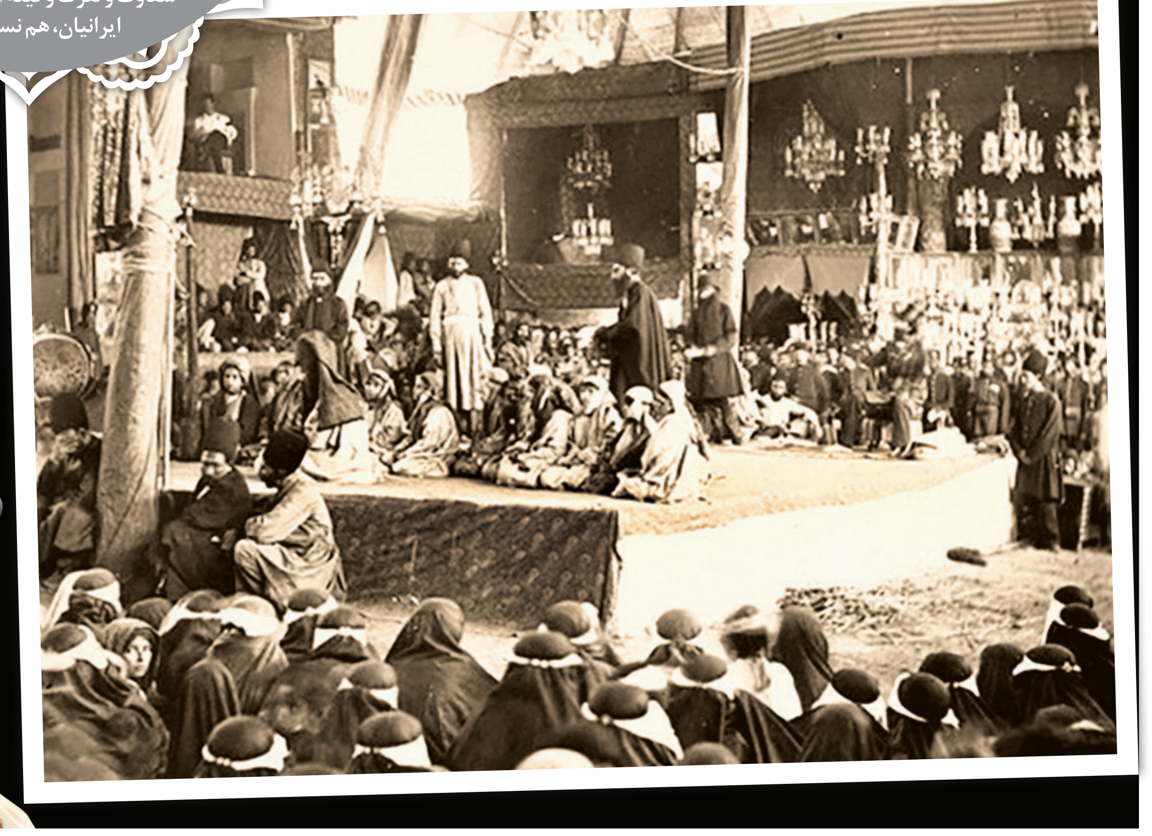

حاشیه‌های نشست هشتم

هشتمین نشست مرکز تهران‌شناسی همشهری برخلاف سایر نشست‌های همشهری با یک ربع تأخیر آغاز شد و مهمانان هم با تأخیر به نشست رسیدند. نخستین مهمانان حاضر در این برنامه «محمود منیعی»، کارشناس مجری و «اسماعیل مجللی»، نویسنده کتاب «شبیه‌نامه» بودند.

۱ از اراک تا تهران برای حضور در نشست

اسماعیل مجللی که از شهر اراک برای حضور در این نشست به تهران آمده بود برای شرکت‌کنندگان از ماجرای نگارش کتابش «شبیه‌نامه» تعریف کرد. در کتاب شبیه‌نامه به سیر تعزیه‌خوانی در هنر ایران پرداخته شده است. مجللی از سال ۱۳۸۹ با هزینه شخصی برای نوشتن کتاب، شروع به فیش‌برداری کرده است، کار نگارش کتاب چیزی در حدود ۹ سال زمان برده است و کتاب در سال ۱۳۹۶ منتشر شده است. نویسنده در این کتاب به موضوع تعزیه در ۳۱ استان پرداخته است. این کتاب در سال ۱۳۹۹ به عنوان کتاب سال استان مرکزی انتخاب شد. او در لابه‌لای حرف‌هایش از روایتی بودن داستان تعزیه می‌گوید که بخش عمده آن برگرفته از ادبیات داستانی ایرانی است.

۲ ماجراهای خواندنی تکیه تهران قدیم

صحبت‌های مجللی ادامه داشت که «اردشیر آل‌عوض»، محقق فرهنگ عامه از راه رسید و با عذرخواهی، به جمع اضافه شد. آل‌عوض به تکایای تهران قدیم و رسم‌های به یادگار مانده از عزاداری‌ها در شهر تهران پرداخت.

۳ جلسه پرسش و پاسخ در راهرو

سالن جلسات برای اجرای نشست بعدی باید تحویل روابط عمومی مجموعه داده می‌شد؛ به همین دلیل منیعی تلاش کرد رأس ساعت، جلسه را جمع و جور کند و پرسش و پاسخ نشست این بار در خارج از سالن و در راهروی طبقه اول همشهری ادامه یافت.

مهمانان مراسم متشکل از علاقه‌مندان فیلمساز، پژوهشگر، راهنمای تور گردشگری، دانشجو و تهران‌پژوه بودند که سؤالات‌شان درباره آداب آیین محرم را از مهمانان نشست یعنی اردشیر آل‌عوض و اسماعیل مجللی پرسیدند.

۴ مقدمات برپایی نشست مشروطه

در گوشه دیگر سالن هم محمود منیعی با دست‌اندرکاران برنامه، برای نشست بعدی در همشهری برنامه‌ریزی می‌کردند. موضوع نشست بعدی همزمان با فرارسیدن ایام انقلاب مشروطه، مشروطه در تهران است.

محمود منیعی

اسماعیل مجللی

اردشیر آل‌عوض

از مسجد امین‌الدوله تا کل ایران

■ حسین کاظم‌زاده

یکی از عناصر هویتی هر جامعه، فرهنگ آن مرز و بوم است؛ فرهنگی که در کشور ما با دیانت و مشخصا عزاداری برای سیدالشهداء(ع) گره خورده است. بسیاری از آموزه‌های فرهنگی کشور ما متاثر از دستورات ائمه اطهار شکل گرفته است؛ مثل احترام به مهمان، صله رحم، حرمت پدر و مادر، انفاق و کمک به دیگران و....
یکی از عناصر کلیدی در شکل دادن به هویت شهر تهران، وجود علمای ربانی و مردمی بوده که توانستند یک جریان فرهنگی و اجتماعی و بعضا سیاسی در تهران ایجاد کرده و در مختصات فرهنگی شهر، نقاطی را حکاکی کنند.
در این میان جایگاه مرحوم آیت‌الله محمد علی شاه‌آبادی کم‌نظیر است و قابلیت بررسی مفصل دارد؛ فقیه عارف مبارزی که شاگرد بزرگانی چون آخوند خراسانی و میرزای آشتیانی بزرگ در فقه و اصول بود و در حکمت و فلسفه هم پای درس میرزا ابوالحسن جلوه شاگردی کرد و امام خمینی(ره) با آن سرمایه علمی و عملی، به شاگردی ۷ ساله در خدمت ایشان، افتخار می‌کند.
ایشان بعد از رسیدن به درجه اجتهاد در علوم نقلی و صاحب‌نظر شدن در فلسفه و عرفان، به درخواست مردم تهران از نجف به این شهر هجرت می‌کند.
ایشان با آن سابقه دروس حوزوی، به مسجد امین‌الدوله بازار چهل تن تهران می‌آید و محوری برای شکل دادن به هویت اصیل تهرانی‌ها می‌شود.
ارتباط میان امام جماعت و مردم، تنها به اقامه نمازهای یومیه خلاصه نمی‌شود و به متن زندگی توده‌ها هم نفوذ می‌کند.
ابتکارات ایشان در این مسجد، نقاطی را در فرهنگ مردم تهران و حتی غیرتهران ثبت و ضبط کرده است.
یکی از آن ابتکارات، زنده کردن سحر در سبک زندگی مردم بود.
ایشان با مرکزیت دادن به این مسجد به‌عنوان محور اخلاق اسلامی در تهران، به برگزاری دعای کمیل هفتگی در سحرهای جمعه قبل از اذان صبح به همراه درس اخلاق جذاب در همین ساعت پرداخت.
جاذبه شخصیت ایشان مردم را از اقصی نقاط تهران به مسجد می‌کشانید.
اولین جمع‌های مومنانه برای مناجات‌های جمعی در تهران تجربه می‌شد و به همین جهت و در لسان مردم، این مسجد به مسجد شب زنده دارها معروف شد.
شیخ‌محمد حسین زاهد که به انگشت اشاره شیخ شاه‌آبادی، بعد از چند سال جانشین ایشان در این مسجد شد هم، همین مسیر را ادامه داد و مجالس مناجات نیمه‌های شب در کشور خود را به این جریان، وصل می‌کنند.
ابتکار دیگر ایشان که به مردم تهران هویت بخشید، راه‌اندازی روضه‌های خانگی بود. به نقل از فرزند مرحوم شاه‌آبادی، ایشان در زمانی که رضاخان، روضه‌ها را تعطیل کردند در ابتکاری مهم، روضه‌های خانگی را سامان دادند و به این شکل، معارف و مصائب اهل‌بیت(ع) را زنده نگاه داشتند. رضاخان که به دستور اربابان انگلیسی‌اش، مهم‌ترین مانع برای وابسته کردن کشور را هویت اسلامی مردم می‌دید، با همان منطق بی‌حجابی اجباری، دستور به تعطیلی مجالس روضه سیدالشهداء(ع) داد. در مقابل آیت‌الله شاه‌آبادی به مخفی بودن و در عین حال سیار بودن محل برگزاری جلسات نیز توصیه می‌کردند. تکامل یافته این جلسات خانگی و کوچک، هیئت موتلفه شد که پای کار امام خمینی در نهضت انقلاب اسلامی آمدند. به جرأت می‌توان تأثیر این کار بنیادین مرحوم شاه‌آبادی در شکل‌گیری هویت شهر تهران را چون اکسیری دانست که به سرعت در تمام کشور نشو و نما کرد. هیئت در فرهنگ ما صرفا مجلسی برای عرض ارادت به آستان اهل‌بیت(ع) نیست بلکه نهادی برای رشد و ارتقای فرهنگ عمومی است؛ اخلاق و انصاف را در میان مردم محقق می‌کند، عاطفه و احساس را در جامعه پشتیبانی می‌کند و روابط میان انسان‌ها را براساس محبت به اهل‌بیت(ع) شکل می‌دهد.
ایشان را می‌توان بنیانگذار هیئت های مذهبی سیار در ایران دانست.
ایشان برای پشتیبانی معرفتی از این جریان سیاسی و اجتماعی رساله شذرات‌المعارف یا مرام‌الاسلام را نوشت که مرام‌نامه‌ای برای همین هیئت ها بوده است.
یکی دیگر از ابتکارات آیت‌الله میرزا محمدعلی شاه‌آبادی تشکیل صندوق قرض‌الحسنه است. قبل از ایشان چیزی به‌عنوان صندوق قرض‌الحسنه وجود نداشت و آقای شاه‌آبادی نخستین کسی بودند که اقدام به تأسیس صندوق قرض‌الحسنه کردند. یک نوع مشارکت مردمی اسلامی در اقتصاد که از همکاری مالی و همکاری در فعالیت‌های اقتصادی مردم شکل می‌گیرد. شاید نام تعاونی فراگیر مردمی برای این ابتکار ایشان مناسب باشد؛ تعاونی فراگیر مردمی توحید محور و برپایه اخوت و صداقت بین مردم که در همان کتاب «شذرات» به تفصیل توضیح مبنایی و حتی دستورالعملی نسبت به این تشکیلات اقتصادی که نامش را شرکت مخمس گذاشته‌اند، دارند.
در این نوع تعاونی سهام مالی و سهام فعالیت تعریف می‌شود؛ انتخاب فعالیت اقتصادی بستگی به ظرفیت و امکانات و نقاط قوت و ضعف منطقه و افراد دارد.
القصه، مردم تهران با آیت‌الله شاه‌آبادی و مسجد امین‌الدوله، روحانیتی را دیدند که مسجد و منبر و محراب را همانطور که در عصر رسول‌الله(ص) بود، محلی برای جامعه‌سازی و هویت‌بخشی به مردم، تعریف می‌کرد.
صورت ارتقاء یافته اقدامات مرحوم شاه‌آبادی را در مقیاس یک امت و یک جامعه و نه دیگر در مقیاس یک مسجد، در نهضت امام می‌بینیم که کل ملت را پای کار امام حسین(ع) آورد؛ کل ایران را هیئت کرد و همه هویت شیعی امام حسینی ایران را برای مبارزه با طاغوت زمان و تحقق احکام اسلام به خدمت گرفت.
روح این استاد و شاگرد شاد.

آیین

۲۶ نوع هیئت در تهران قدیم

به گفته «اردشیر آل عوض»، محقق فرهنگ عامه، در تهران قدیم ۲۶ نوع هیئت در قالب هیئات اصناف، سیاسیون، مذهبی‌ها و... فعالیت داشتند. در این گزارش کارکرد اجتماعی برخی از این هیئت‌ها و آداب و انواع پذیرایی از عزاداران حسینی را مرور کرده‌ایم.

انواع پذیرایی در هیئت‌های قدیمی

تهران قدیم از نعمت برق برخوردار نبود و عموماً برنامه عزاداری هیئت از ساعت ۶:۳۰ صبح در تیمچه‌های بازار تهران شروع می‌شد. در تیمچه چیزی حدود ۴۰ سرا و کسب‌وکار تولیدی فعالیت داشتند. در ایام‌ماه محرم کسبه، کارشان را تعطیل و مراسم عزاداری برپا می‌کردند. یکی از خوشمزه‌ترین پذیرایی‌ها از عزاداران نان روغنی‌هایی بود که در کنارش پنیر و خرما می‌گذاشتند و صبحانه دلچسبی برای پذیرایی محسوب می‌شد.
اما معروف‌ترین غذای پذیرایی در تهران قدیم حلوای معطر و نان بود. البته هرکدام از اقوام هم متناسب با فرهنگ غذایی خودشان سعی می‌کردند بهترین غذاها را در ایام‌ماه محرم و صفر برای برآورده شدن حاجات قلبی‌شان طبخ کنند. آش شله‌قلمکار، آش کشک، انواع پلو و خورشت به‌ویژه قیمه و رشته‌پلو و شیربرنج از مهم‌ترین نذورات مردم در تهران قدیم بود.

آداب پذیرایی از عزاداران حسینی

پذیرایی درست و محترمانه از عزاداران حسینی، امری مهم و ضروری در هر هیئتی بود. اسباب پذیرایی از استکان و نعلبکی گرفته تا لیوان و بشقاب، باید بدون هیچ کم و کاستی فراهم می‌شد. برای نمونه در زمان پذیرایی زیر استکان چای، نعلبکی قرار می‌گرفت. چای را در سینی‌های کوچکی که کنارش یک قندان که مخلفات آن شامل قند، آبنبات قیچی، خرما و شکر پنیر بود می‌گذاشتند.
نکته مهم‌تر، نحوه توزیع غذا بود. بانیان هیئت‌ها اعتقاد داشتند که عزاداران برای دریافت غذا نباید دست‌شان را بلند کنند بلکه باید اعضای هیئت به نشانه احترام در مقابل عزاداران سر خم کنند و غذا را تحویل دهند.

تکیه دباغ‌ها و تقسیم پست‌های حکومتی

تکیه دباغ‌ها در دوره پهلوی دوم پاتوق چهره‌های سرشناس و سفرای خارجی بود. مدیریت این تکیه را شعبان جعفری (شعبان بی‌مخ)، برعهده داشت. در این تکیه فعالیت‌های زیادی از جمله تقسیم پست‌های حکومتی انجام می‌شد. در ماجرای کودتای ۲۸ مرداد ماه بسیاری از پست‌ها در همین تکیه تقسیم شد. سفیر عربستان هم که مذهب وهابی داشت معمولاً در روزهای تاسوعا و عاشورا در مراسم عزاداری تکیه دباغ‌ها شرکت می‌کرد.

عزاداری در کاخ گلستان

یکی از نهادهای پیشرو در برپایی مجالس عزاداری ایام‌ماه محرم و صفر در تهران نهاد سلطنتی بود. دربار خودش را موظف می‌دانست که حتماً در دهه محرم مراسم عزاداری برگزار کند. این مراسم عموماً در کاخ گلستان یا مسجد مجدالدوله برگزار می‌شد. قمرالسلطنه دختر فتحعلی شاه قاجار بنیانگذار اجرای مراسم تعزیه در اندرونی کاخ گلستان بود. این بانو در ایام‌ماه محرم با برپایی مراسم روضه و تعزیه مبدع سبکی نوین در اجرای نمایش تعزیه توسط بانوان شد.

تکیه مسجد شپشی‌ها

ارادت به خاندان عصمت و طهارت با گوشت و خون مردم ایران گره خورده است و به همین دلیل همه در هر جایگاه اجتماعی و مقام و رتبه‌ای سعی می‌کنند این عشق و علاقه را ابراز کنند. یکی از هیئت‌های معروف تهران قدیم هیئت مسجد شپشی‌ها بود. عزاداران این مسجد عموماً متکدیان و افراد بی‌خانمان بودند.

هیئت‌های خاص

سازمان‌ها و نهادهای دولتی هم از جمله ارگان‌های فعال برای برپایی مجالس عزاداری ایام‌ماه محرم و صفر به‌ویژه دهه اول محرم در هر دوره‌ای بودند. مجالس خصوصی غیردولتی، نیروهای نظامی، گروه‌های شغلی و اصناف، اقوام، مهاجران، مجالس جماعتی و محلی مانند هیئت بچه‌های دروازه قزوین یا دروازه دولاب، مؤسسات و انجمن‌ها، مراکز آموزشی، بقعه‌های متبرکه، هیئت‌های خانوادگی، دراویش و... از هیئت‌های خاص تهران بودند.

کنترل واعظ در هیئت داش‌مشتی‌ها

یکی از مجالس خالص، بی‌ریا و پرمخاطب هیئت داش مشتی‌های تهران بود؛ هیاتی که کنترل واعظ به‌دست اعضای آن بود و اگر سخنرانی خسته‌کننده یا زمانش طولانی می‌شد به سرعت با همان زبان و گویش داش مشتی درخواست کوتاه کردن سخن می‌کردند.

اطلاع‌رسانی و آگهی برای برپایی هیئت

اطلاع‌رسانی برای زمان اجرای مراسم عزاداری در تکایا هم حکایت و ماجراهای جالبی داشت. روزنامه اطلاعات بهترین گنجینه اطلاع‌رسانی و درج آگهی‌های دعوت مردم به شرکت در مراسم عزاداری اباعبدالله حسین(ع) بود. معمولاً نخستین اعلامیه شروع مجالس عزاداری را تکیه دولت روی دیوار نصب می‌کرد. در محله‌های ضعیف‌تر بانیان هیئت برای اطلاع‌رسانی از اعلامیه دست‌نویس استفاده می‌کردند.
آنطور که در منابع تاریخی آمده سال ۱۳۱۱ بلدیه تهران همزمان با ایام‌ماه محرم مراسمی می‌گیرد و برای شرکت‌کنندگان متنی با این مضمون ارسال می‌کند: «برای کسانی که قرار است در این مجلس حضور داشته باشند کارت دعوت داده‌ایم و آقایان نیایند و ما معذوریم، جا نداریم.» جالب اینجا بود که مراسم فقط مردانه بود و جایی برای حضور بانوان درنظر گرفته نشده بود.
تراکت، پرچم، بیرق، پارچه‌های گلدوزی شده، تابلوهای فلزی ثابت اطلاع‌رسانی، پوستر، پیامک، بنرهای چاپی، تیزرهای رادیویی و تلویزیونی و در حال حاضر شبکه‌های اجتماعی از مهم‌ترین ابزار اطلاع‌رسانی برای برپایی مجالس عزاداری امام حسین(ع) بوده است.